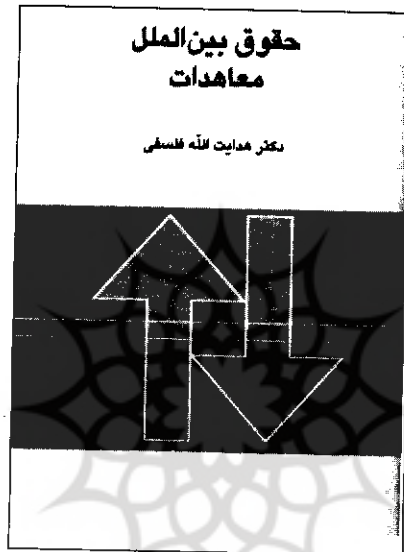


معاهدات بین‌المللی؛ بایدها و نبایدها



○ حقوق بین‌الملل معاهدات
○ هدایت‌الله فلسفی
○ نشر نو
○ ۱۳۷۹، ۲۲۰۰ نسخه، ۸۰۲ صفحه

○ مسلم خلفی
کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

طرف‌های فعلی یا آینده آن ارتباطی داریم ایجاد کرده است»^۲.

به این واقعیت این را نیز می‌توان افزود که نمی‌توان سهم برخی نواقص معاهده ۱۹۶۹ را در عدم رویکرد کشورها در پیوستن به این معاهده نادیده انگاشت: مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض معاهدات، اثر جانشینی دولت‌ها بر معاهدات، تاثیر جنگ بر آنها و... جملگی از مسائل بسیار مهم حقوق بین‌الملل است که معاهده‌ی مذکور به آنها نپرداخته است. چه اینکه مسائلی مانند: نابرابری معاهدات متروک مانند معاهدات، روش حل و فصل اختلافات ناشی از معاهده ۱۹۶۹ و... را مسکوت گذارده است. علاوه بر آن این معاهده تنها بر معاهدات «کشورها» با یکدیگر حاکم است و اشخاص دیگر تابعان حقوق بین‌الملل را در بر نمی‌گیرد. گو اینکه برخی موارد ذکر شده از آن میزان اهمیت برخوردار بوده است که هر یک طرح معاهده‌ای مستقل را طلب کند.

وانگهی بی‌اعتمادی کشورهای نوبنیاد و در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته و صنعتی را نمی‌توان

کند. ایران نیز گرچه آن را امضا کرده، هنوز آن را تصویب نکرده است. به راستی علت استقبال ضعیف کشورها از این معاهده چیست؟

هدایت‌الله فلسفی، استاد برجسته حقوق بین‌الملل که محور جدیدترین اثرش حقوق بین‌الملل معاهدات تحلیل محتوای معاهده ۱۹۶۹ می‌باشد، معتقد است: «اگر مضامین پیچیده معاهده را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که علت اصلی تردید دولت‌ها در الحاق به معاهده، ابهام در حدود مقررات و همچنین طبیعت عالی و بسیار پیشرفته فنون و روش‌هایی است که برای تدوین آن مورد استفاده قرار گرفته است. از این رو می‌توان گفت این معاهده با معاهدات دیگری که دولت‌ها و مجالس قانون‌گذاری با آن سر و کار داشته‌اند، کاملاً فرق دارد و درک آن مستلزم احاطه به مسائل حقوقی جامعه بین‌الملل است.^۳ گذشته از این با تصویب این معاهده، حقوق معاهدات تا آنجا پیشرفت کرده است که دیگر نمی‌توان آن را حاصل تدوینی ساده انگاشت؛ زیرا این معاهده خود به صورت نهادی مستقل درآمد و میان سازمان‌ها و

سخن نخست: سال ۱۹۶۹ میلادی برای معلمان و دانش‌پژوهان حقوق بین‌الملل سالی آشناست. این سال را می‌توان نقطه عطف حقوق در عرصه معاهدات بین‌المللی دانست؛ چرا که حدود ۲۰ سال تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل و البته مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این سال به بار نشست و در نتیجه در ۲۴ مه ۱۹۶۹ طی کنفرانسی در وین طرح «معاهده وین درباره حقوق معاهدات» با ۷۹ رای موافق، ۱۹ رای ممتنع و تنها یک رای مخالف به تصویب رسید. «تردیدی نیست معاهده ۱۹۶۹ تلاش ارزنده‌ای در راه گسترش حقوق معاهدات و عاملی مؤثر در جهت پیشرفت هر چه بهتر آن به شمار می‌آید.»^۱ و به گفته اوتانت دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد «یکی از متون تاریخی و از جمله مهمترین معاهداتی است که تا به حال در جهت بسط تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل انعقاد یافته است».^۲ با این وصف هنوز بسیاری از کشورهای جهان به این معاهده نپیوسته‌اند و تا سال ۱۹۹۹ یعنی در مدت ۳۰ سال توانسته تنها ۸۴ عضو جذب

از نظر دور داشت. این کشورها حقوق بین‌الملل کنونی و البته معاهدات بین‌المللی را برآیند تلاش کشورهای صاحب نفوذ و قدرتمند در نتیجه تامین‌کننده منافع آنان می‌دانند و بدین سبب به معاهداتی که کشورهای پیشرفته در تنظیم آن‌ها نقش اصلی را داشته‌اند، به دید تردید می‌نگرند و نگرانی خود در پیوستن به این معاهدات را پنهان نمی‌کنند.

آری کشورهای قدرتمند در تنظیم معاهدات بین‌المللی مخصوصاً معاهدات مربوط به صلح و رژیم‌های سرزمینی نقش عمده‌ای داشته‌اند و به دلیل توان و موقعیت ممتازشان عرف‌سازان ماهری بوده‌اند. «اصول کلی حقوقی» نیز مقید به «پذیرش توسط ملل متملن» است و بدین‌سان هر سه منبع اصلی حقوق بین‌الملل و نیز آموزه‌های حقوق بین‌الملل به صورت جدی زیر سیطره کشورهای پیشرفته است. پس چه باید کرد؟

کشورهای در حال توسعه باید واقعیت را آن گونه که هست ببینند تا نقبی زنند بدانچه باید باشد. واقعیت آن است که روابط بین‌الملل مبتنی بر حقوق

بین‌الملل است و حقوق بین‌الملل منبعث از معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوقی است و این سه نیز متأثر از نفوذ و قدرت کشورهای صاحب نفوذ و قدرتمند است. تغییر منابع سنتی حقوق بین‌الملل بر نخل بلندی پیوند خورده است که دست دولت‌های اصلاح‌طلب از آن کوتاه است. دور دست بودن این آرمان، هم نتیجه‌ی ضعف دولت‌های اصلاح‌طلب است و هم متأثر از مقاومت دولت‌های توسعه یافته در دفاع از نظام سنتی حقوق بین‌الملل. مبارزه برای اصلاح نظام سنتی حقوق بین‌الملل منجر به بحرانی شده که «ویرالی» آن را «بحران در سیستم منابع» می‌نامد. این مبارزه لوازمی دارد؛ از جمله این لوازم، غنی شدن در عرصه نظریه‌پردازی و نیل به ارائه آموزه‌های بین‌المللی است. تبیین ساز و کار انعقاد اجرا و اختتام معاهدات بین‌المللی و تشریح بایدها و نبایدهای آن در این بین نقش برجسته‌تری دارد. بی‌دلیل نیست که «روتتر» معاهدات را «ابزار اصلی روابط بین‌الملل» می‌داند.

نتیجه سخن روتتر لاقابل برای جامعه ما کاملاً ملموس است. چند سالی است رابطه کشور ما با برخی همسایگان با چالش‌هایی مواجه شده که اکثر آنان متأثر از معاهدات مرزی، رژیم‌های سرزمینی و مانند آن است. اختلاف ایران با عراق و چگونگی اجرای قرارداد الجزایر، با امارات بر سر جزایر سه‌گانه با کشورهای ساحل خزر بر سر چگونگی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر نمونه‌هایی از اختلافات ایران با همسایگان است که جملگی متأثر از حقوق معاهدات بین‌المللی است.

○ باری استاد فلسفی با نگارش کتاب ارزشمند حقوق بین‌الملل معاهدات گام مؤثری در دست‌یابی به اهداف پیش گفته برداشته است. این کتاب جامع‌ترین شرح فارسی معاهده ۱۹۶۹ وین درباره‌ی حقوق معاهدات است. استفاده از شیوه تفسیری «ماده با ماده» به جای «ماده به ماده» از نقاط قوت کتاب است. با این که مواد معاهده به ترتیب مورد بحث قرار نگرفته اما تقریباً تمام مواد حتی مقدمه و پیوست معاهده نیز مورد تحلیل واقع شده است. در شرح مواد، گذشته از بهره گرفتن از «سیاق کلمات در پرتو هدف و موضوع» و «سیاق حقوق بین‌الملل» از «وسایل مکمل تفسیر» مخصوصاً مذاکرات نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس و گزارش‌های گزارشگران کمیسیون حقوق بین‌الملل به خوبی بهره جسته است و بدین‌سان نویسنده کاملاً به مضمون مواد ۳۱ و ۳۲ معاهده ۱۹۶۹ که درباره چگونگی تفسیر معاهدات بین‌المللی است عالم و عامل بوده است. از همین روی کتاب حاضر را می‌توان به نوعی آموزش عملی فن تفسیر معاهدات دانست.

مقایسه یک ماده با مواد دیگر، طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره آن ماده، دیدگاه‌های گزارشگران کمیسیون مزبور و نیز نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس وین، تغییرات و اصلاحات به عمل آمده در ماده مزبور و نهایتاً آوردن متن کامل ماده مصوب، قوه‌ی تحلیل دانش‌پژوه حقوق را پرورش می‌دهد.

○ تلفیق مباحث ذهنی با مصادیق عینی از جمله بارزترین ویژگی‌های این کتاب است. کتاب مملو از آرای دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری‌های بین‌المللی است به گونه‌ای که تقریباً برای اکثر قریب به اتفاق مباحث نظری به تناسب پرونده‌ای از اختلافات ارجاعی به محاکم دادگستری و داوری‌های بین‌المللی آورده است. کتاب به تمام معنی مطالعه موردی (Case Study) است. (در مبحث مربوط به شرح ملل کامله الوتاد می‌توانست به رای دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۷ اوت ۱۹۵۲ مربوط به حقوق اتباع آمریکایی در مراکش اشاره کند).

کتاب مملو از آرای دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری‌های بین‌المللی است به گونه‌ای که تقریباً برای اکثر قریب به اتفاق مباحث نظری به تناسب پرونده‌ای از اختلافات ارجاعی به محاکم دادگستری و داوری‌های بین‌المللی آورده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



به نظر می‌رسد پذیرش رشوه به عنوان عنصر مادی تدلیس دشوار باشد؛ رشوه عملی مستقل از تدلیس است و به همین دلیل است که معاهده ۱۹۶۹ آن را در ماده ۵۰ به طور مستقل زیر عنوان «رشوه‌خواری نماینده دولت» آورده است، در حالی که تدلیس در ماده ۴۹ مورد بحث قرار گرفته است



○ سه نوشتار تحلیلی در ذیل برخی مباحث کتاب تحت عنوان «ایضاح» غنای دو چندان به مطالب کتاب بخشیده است:

«معاهده در ترازوی تاریخ» نخستین عنوان از این سلسله مطالب است. در این نوشتار استاد به سان یک مجتهد در تاریخ، تاریخچه معاهده را از سه هزار سال پیش از میلاد تا عصر حاضر به رشته تحریر و تحلیل در آورده است. معاهداتی که در بین‌النهرین قدیم و چند قرن بعد بابل، مصر، آشور و پس از آن هخامنشیان و سپس در عصر هلنی و بعد توسط امپراتوری روم و ایران منعقد شد و نیز معاهدات صدر اسلام، قرون وسطی و بالاخره قرن شانزدهم تا بیستم، تحقیق جامع و ارزنده‌ای در تاریخ معاهدات ارایه می‌دهد.

«جامعه بین‌الملل و قاعده آمره» دومین عنوان از سلسله مطالب «ایضاح» است. نویسندگان بیان خصیصه قابل تخطی نبودن و عام بودن آن به برتری بر قواعد عادی حقوق بین‌الملل اشاره می‌کند و به حق انذار می‌دهد: «در صورتی که حد دقیق قاعده دقیقاً مشخص نگردد و یا قاعده آمره به صورت نهادی معین در نیاید، یادآوری آن از متروک ماندنش خطرناک‌تر است» (ص ۳۰۸) معاهده ۱۹۶۹ در واقع با گنجانیدن قاعده آمره درباره مواد ۵۳ و ۶۴ به ابتکاری دست زد که در توسعه حقوق بین‌الملل عمیقاً مؤثر بود، اما معیار عینی تشخیص این قواعد ابهام داشته و گو این که کنفرانس وین با معیارهای تخطی‌ناپذیر بودن این قواعد، تغییرناپذیر بودنشان جز با قواعدی همسان و پذیرفته‌شدن در جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کلی خود، تلاش کرده حدود

قاعده آمره را مشخص سازد؛ اما عباراتی چون «جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کلی خود» محمل نقد و نظرهای فراوانی است و التهایه هنوز هم در شمارش مصادیق قاعده آمره اتفاق نظر وجود ندارد و شاید همین امر، توجیه‌کننده تناقض ظاهری در کلام مؤلف باشد که گاه قاعده آمره را «اساس و پایه حقوق بین‌الملل و مایه حیات آن» می‌داند (ص ۲۹۹) و گاه از آن به عنوان «شیر بی‌یال و دم و اشکم» و «جسم بی‌روح» و «حقوق بی‌محتوا» یاد می‌کند. (ص ۲۹۷) استاد ضمن مباحث مربوط به قاعده آمره از «میراث مشترک بشریت» یاد می‌کند و مصداق بارز آن را در حال حاضر «دریای آزاد» دانسته و می‌گوید: «به یقین در آینده‌ای نه چندان دور، فضای ماورای جو و اجرام سماوی نیز در این مقوله جای خواهند گرفت». (ص ۳۰۰) این در حالی است که قطعنامه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو مصوب ۱۹۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو می‌بایست متضمن تامین منافع تمام بشریت باشد».

پیمان ۱۹۶۶ کمیته استفاده مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو مجمع عمومی نیز تصریح می‌کند: «فضای ماورای جو موضوع اختصاص ملی قرار گیرد». علاوه بر دو سند مزبور، قطعنامه‌های (XVI) ۱۷۲۱، بیستم دسامبر ۱۹۶۱، قطعنامه (XVIII) ۱۹۶۳، قطعنامه اصول مربوط به سنجش از دور زمین از فضا ۱۹۸۶ ... هر کدام به نوعی رهنمون به این واقعیت هستند که «فضای ماورای جو» نیز بسان «دریای آزاد»، «میراث مشترک بشریت» اند.

«جانشینی دولت‌ها در قلمرو معاهدات» سومین عنوان از مجموعه مباحث طرح شده زیر عنوان «ایضاح» است که در ضمن مباحث مربوط به اختتام و تعلیق معاهدات به آن پرداخته است.

در این نوشتار از معاهده ۱۹۷۸ جانشینی دولت‌ها در قلمرو معاهدات تحلیل نسبتاً جامعی به عمل آمده است و در واقع یکی از مباحث عمده‌ای که معاهده ۱۹۶۹ به آن نپرداخته، در این کتاب به تفصیل تحلیل و بررسی شده است. مروری بر مطالب کتاب برخی دانشمندان حقوق معتقداند «معاهده متولد می‌شود، زندگی می‌کند و می‌میرد»^۲. شاید نویسنده متأثر از این سه جمله کوتاه، کتاب خود را در سه دفتر ارایه کرده است: دفتر اول «معاهده از نظر شکل» که چگونگی انعقاد معاهدات را بررسی می‌کند؛ دفتر دوم «معاهده از نظر محتوا» مباحثی همچون اعتبار، آثار، تفسیر و تعارض معاهدات را تحلیل می‌کند و بالاخره در دفتر سوم «اختتام و تعلیق معاهدات» را مطرح می‌سازد.

قبل از ورود به مباحث اصلی «مقدمه تحلیلی» و «مباحث مقدماتی» آورده شده است. سی صفحه مقدمه تحلیلی، علاوه بر آن که برائت استهلالی بر مندرجات کتاب است. در برگزیده مباحث ارزشمندی است، این مقدمه که زیر عنوان «منزلت معاهده در میان منابع حقوق بین‌الملل» آورده شده، متضمن تبیین مفهوم منبع در حقوق بین‌الملل، تحلیل دو مشرب عینی و وضعی در این باره، منابع صوری حقوق بین‌الملل، تحلیل ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، ابهام در مفهوم منبع صوری و بحران در سیستم منابع حقوق بین‌الملل می‌باشد.

بی‌اعتمادی کشورهای نوبنیاد
 و در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته و صنعتی را
 نمی‌توان از نظر دور داشت؛
 این کشورها حقوق بین‌الملل و البته معاهدات بین‌المللی را
 برآیند تلاش کشورهای صاحب نفوذ و قدرتمند
 و در نتیجه تاءمین‌کننده منافع آنان می‌دانند



**اختلاف ایران با عراق و چگونگی اجرای قرارداد الجزایر،
 با امارات بر سر جزایر سه گانه،**



با کشورهای ساحل خزر
 بر سر چگونگی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر
 نمونه‌هایی از اختلافات ایران با همسایگان است
 که جملگی متأثر از حقوق معاهدات بین‌المللی است

دکتر فلسفی در پی تحلیل ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری این نتیجه را تحصیل می‌کند که معاهده و عرف جزو منابع اصلی حقوق بین‌الملل و در یک سطح می‌باشند؛ اما این دو بالاتر از اصول کلی حقوقی قرار دارند که از منابع فرعی حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید. (ص ۱۰)

باری این رای ایشان متمایز از آرای برخی دیگر از حقوق‌دانان است که ترتیب مذکور در ماه ۳۸ را دلیلی بر وجود سلسله مراتب نمی‌دانند و تصریح می‌کنند: «معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی از حیث اعتبار و آثار حقوقی در یک درجه از اهمیت قرار دارند.»^۴ بده. در عمل، ابتدا معاهدات ناظر بر حل اختلاف طرفین و در صورت فقدان آنها عرف بین‌الملل و در مرحله بعد به اصول کلی حقوقی توسل می‌جویند.

«مبانی تاریخی مفهوم معاهده»، «تعریف معاهده بین‌المللی»، «طبقه‌بندی معاهدات» کلیاتی است که در ذیل مباحث مقدماتی آورده شده است. پس از مقدمه تحلیلی و مباحث مقدماتی وارد مباحث اصلی‌تر کتاب شده است که مشتمل بر سه دفتر است:

دفتر اول: معاهده از نظر شکل

مراحل مختلف انعقاد یک معاهده مانند: «مذاکره، نگارش، امضا، تصویب، ثبت و نشر، الحاق و امضای معلق، تودیع اسناد تصویب و بالاخره حفظ حق حاکمیت ملی در قبال بخشی از مقررات معاهده (حق شرط) تشکیل دهنده دفتر اول کتاب است که در واقع تولد معاهده را ترسیم می‌کند.

بحث تصویب معاهده بیشترین حجم این دفتر را به خود اختصاص داده است. علاوه بر تحلیل نظام حقوقی تصویب، مقام صالح برای تصویب بررسی شده و آنگاه به تفصیل از آیین تصویب معاهدات در نظام‌های داخلی بحث شده و نظام تصویب برخی کشورها از جمله: سوئیس، ایالات متحده آمریکا، الجزایر، مراکش، بریتانیای کبیر، ایتالیا و فرانسه تحلیل شده است.

درباره نظام خاص تصویب در جمهوری اسلامی ایران، مطالب به گونه‌ای تنظیم شده است که گویا علاوه بر مجلس شورای اسلامی، مراکز دیگری مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی نیز می‌توانند معاهدات را تصویب کنند. این واقعیت دارد که نهادهای مزبور در عمل بارها به حیثه قانون‌گذاری قدم نهاده‌اند، اما عمل، هیچ‌گاه مفسر خوبی برای بایسته‌های قانونی نبوده است. گو این که بحث درباره دخالت نهادهای مذکور در امر قانون‌گذاری، نوشتاری جدا می‌طلبند، اما به طور خلاصه می‌توان گفت: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعمال

قوه مقننه به دو صورت مقرر شده است: مستقیم و غیرمستقیم. درباره اعمال مستقیم قوه مقننه، اصل ۵۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد...». اعمال غیرمستقیم قوه مقننه نیز با نهاد قوه مقننه است که مرکب از دو رکن است: «مجلس شورای اسلامی» و «شورای نگهبان». اصول ۵۸ و ۹۳ قانون اساسی مبین این مطلب است. در اصل ۵۸ آمده است.

«اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود...» و اصل ۹۳ مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد، مگر در مورد تصویب اعتبارنامه‌ی نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان». بدیهی است شورای نگهبان مطابق وظایف خود در سایر اصول قانون اساسی تنها تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی را بررسی می‌کند و نه بیشتر. سایر نهادهای مزبور نیز اساساً حق و وظیفه ورود به قانون‌گذاری را ندارند.^۹

در صفحه ۱۶۵ کتاب آمده است «اگر در قانون اساسی اصولی به چشم می‌خورند که گاه معارض می‌نمایند، نباید پنداشت که قانون‌گذار اساسی نادانسته به آن همت گماشته است». این توجیهی بزرگ‌منشانه در دفاع از قانون‌گذار اساسی است. زیرا گذشته از آن که توجیه تعارض‌ناپذیری تممندی آن هم در مهم‌ترین قانون یک کشور دشوار می‌نماید، یادآوری می‌شود که این تعارضات نه تنها در اصول که در برخی عبارات نیز مشهود است و ذکر آنها مجال دیگری را می‌طلبد.

و بالاخره این انتظار وجود داشت که تفسیر شورای نگهبان از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی درباره تصویب معاهدات آورده شود و چون سایر موارد مورد تحلیل موشکافانه ایشان قرار گیرد تا به غنای مطالب افزوده شود.^{۱۰}

دقت دوم. معاهده از نظر محتوا

این دفتر مشتمل بر دو بحث است. در بحث «اعتبار و زوال معاهدات» ابتدا شرایط اعتبار معاهده (اهلیت، رضایت و مشروعیت موضوع معاهده)، سپس نظام بطلان معاهدات بررسی می‌شود و در بحث «اجرای معاهدات» نیز «اجرای معاهده توسط دولت‌های طرف‌های معاهده»، «آثار معاهده در قبال دولت‌های ثالث»، «تفسیر معاهدات بین‌المللی» و «تعارض معاهدات» یا توالی آن‌ها تحلیل شده است. باری در بحث «رضایت طرف‌های معاهده» به عیوب رضا اشاره شده و تدلیس یکی از عیوب رضا شمرده شده و علاوه بر صحنه‌سازی، دروغ،

تجاهل العارف و سکوت، رشوه نیز عنصر مادی تدلیس دانسته شده است (ص ۲۶۸). به نظر می‌رسد پذیرش رشوه به عنوان عنصر مادی تدلیس دشوار باشد. رشوه عملی مستقل از تدلیس است و به همین دلیل است که معاهده ۱۹۶۹ آن را در ماده ۵۰ به طور مستقل زیر عنوان «رشوه‌خواری نماینده دولت» آورده است در حالی که تدلیس در ماده ۴۹ مورد بحث قرار گرفته است.

دفتر سوم - اختتام و تعلیق معاهدات

اصل وفای به عهد (Pacta Sunt Servanda) به معاهده حیات ابدی نمی‌بخشد بلکه اصول و قواعد دیگر تعدیل‌کننده این اصل است. اصول حقوقی و همچنین موازین اخلاقی با آن که ظاهراً متعارض می‌نمایند، اما در واقع مکمل هم بوده و نه تنها یکدیگر را معلوم نمی‌کنند، بلکه تصحیح می‌کنند. اصل وفای به عهد یگانه اصل حقوق معاهدات نیست بلکه در نظم بین‌المللی قراردادی این اصل را باید از طریق اصل «حسن نیت» با سایر اصول و قواعد حقوق معاهدات مورد توجه قرار داد. اصول و قواعدی مانند «تغییر بنیادین اوضاع و احوال»، «پدیداری قاعده آمره جدید»، «عدم امکان اجرای معاهده»، «زوال شخصیت بین‌المللی یکی از طرف‌های معاهده» (جانشینی دولت‌ها) و دیگر اصول و قواعد هر یک می‌توانند تعدیل‌کننده اصل وفای به عهد باشند.

ژی. ب. ویتون ضمن آن که اصل وفای به عهد را مبین نیمه حقیقت می‌داند، می‌گوید: «ما در مقابل قاعده‌ای که حاکم بر همه معاهدات باشد و همه چیز را رتق و فتق نماید، واقع نیستیم؛ برعکس ما در مقابل مجموعه‌ای از قواعد و قوانین قرار داریم». اصل حسن نیت را اما می‌توان با تمام اصول حقوقی معاهدات مرتبط دانست. همان‌گونه که معاهده مطابق اصل وفای به عهد، باید با حسن نیت اجرا شود، با حسن نیت نیز می‌توان با تکیه بر اصول و قواعدی چون قاعده ربوس و مغایرت با قاعده آمره جدید و... به حیات معاهده به طور مشروع پایان داد.

دفتر سوم کتاب حقوق بین‌الملل معاهدات دربرگیرنده موجبات اختتام یا تعلیق معاهده است. مباحثی مانند «اختتام و تعلیق به موجب قیود خاص معاهده»، «اختتام معاهده بر اثر توافق لاحق»، «تأثیر مقررات کلی و وقایع یک جانبه بعدی در اختتام و تعلیق معاهدات» مانند: «خروج یک جانبه از قلمرو معاهده»، «تأثیر عرف لاحق در اختتام معاهده سابق»، «تأثیر پدیداری قاعده آمره جدید بر اعتبار معاهده سابق»، «اختتام معاهده در اثر اجرای آن»، «انصراف از معاهده»، «لغو یا خروج از معاهده به اقتضای طبیعت آن»، «تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده»، «اصلاح معاهده و تجدید نظر در آن»،

«اختتام و تعلیق بر اثر نقض معاهده» و «التهابه آثار جنگ بر معاهده» جملگی تشکیل‌دهنده مباحث دفتر سوم است. از آنجا که اختتام و تعلیق معاهده تابع آیین و روش خاصی است در پایان این دفتر «آیین اختتام و تعلیق معاهده» مورد بررسی قرار گرفته است.

دو اقدام بسیار ارزنده مؤلف در پایان کتاب یکی درج کامل ترجمه متن فرانسوی معاهده ۱۹۶۹ است و دیگری گردآوری عنوان‌های گزیده کتاب‌ها و مقاله‌هایی است که درباره مباحث مختلف حقوق معاهدات بین‌المللی به زبان فرانسوی و انگلیسی به رشته تحریر درآمده و به سان کتاب‌نامه حقوق معاهدات راه‌گشا و راهنمای پژوهشگران عرصه معاهدات بین‌المللی است. سعی ایشان مشکور و توفیق‌شان افزون باد.

پانویس‌ها:

- ۱- فلسفی، هدایت‌الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۵۵.
- ۲- همان، ص ۵۶.
- ۳- Rosenne sh. "vienna convention on the Law of Treaties" in Bernhardt (ed): Encyclopedia of Public International Law. ins. ۷ (۱۹۸۴) P. ۳۴. به نقل از فلسفی، هدایت‌الله، همان، ص ۵۶.
- ۴- فلسفی، هدایت‌الله، همان
- ۵- همان، ص ۱۷.
- ۶- برای آگاهی از مضامین این قطعه رجوع شود به: I. The united Nations Department of public Information: Basic Facts About the United Nations, New York. ۱۰-۱۷, ۱۹۹۵. PP: ۱۲۷-۱۲۹ II. Marjarie M. Whiteman: Digest of International Law: Volum ۹, Department of state publication ۸۲۱۹, December ۱۹۶۸, PP: ۹۶-۹۶۸ و خلفی مسلم: حقوق ارتباطات ماهواره‌ای، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید ۱۳۷۸، ص ۱۱۰-۱۱۷
- ۷- به نقل از حکمت، محمدعلی: تأثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳، تابستان ۱۳۶۴، ص ۱۴.
- ۸- ضیایی بیگلری، محمدرضیا: حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ پانزدهم، چاپ احمدی، کتابخانه گنج‌دانش، ویرایش نهم ۱۳۸۰، ص ۸۲
- ۹- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: هاشمی: دکتر سیدمحمد: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم: حاکمیت و نهادهای سیاسی، مجمع آموزش عالی قم. چاپ دوم، ص ۱۰۳-۱۰۵.
- ۱۰- نظریه شماره ۳۹۰۳ مورخ ۷ و ۸، ۱۳۶۰، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۰، ص ۹؛ نظریه شماره ۹۹۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۹/۸، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲، ص ۴۲۸؛ نظریه شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳، ص ۴۵۷.
- ۱۱- J. B. Whittton. "Laregle Pacta sunt servanda". R. C. D. I., ۱۹۳۳-۲, P. ۲۵. به نقل از حکمت، محمدعلی: همان، ص ۷۵.